

برای رسیدن به وحدت باید آگاهی و عقل داشته باشیم



کریستین یجیی یونو
قرآن‌پژوه

وحدت مقوله‌ای است که همه ما را به سوی آن دعوت می‌کند. آیا تاکنون شنیده‌اید که کسی بگوید متفرق شوید؟ بنابراین همه ما را به سوی وحدت دعوت می‌کنند.
باین وجود چرا ما به سوی وحدت نمی‌رویم؟
آیا وحدت اصل است یا فرع؟ اصلا وحدتی وجود دارد یا اینکه ما باید آن را ایجاد کنیم؟
در نظر داشته باشید که توحید نیز به معنای یکی شدن است. برای رسیدن به وحدت باید آگاهی داشته باشیم؛ آن آگاهی هم به وسیله عقل به دست می‌آید.
وحدت بشر به شباهت در اندام و دی ان‌ای نیست، بلکه به داشتن عقل است. در روایت نخست اصول کافی آمده که خداوند به انسان می‌گوید هیچ مخلوقی ارزشمندتر از تو نیست. چراکه انسان عقل دارد. خداوند به مین نمی‌گوید از من اطاعت کن چون عقل ندارد اما به بشر دستور می‌دهد. بنابراین خداوند در قیامت برای پادش دادن و عقوبت انسان‌ها به نظر آنها نگاه می‌کند و وحدت بشر و مسلمانان به میزان عقل و آگاهی آنها است. اگر کسی عقل نداشت، دین و وجدان و... معنی ندارد. هر چه عقل بیشتر باشد وحدت بیشتری می‌شود. بزرگ‌ترین دشمن آگاهی و عقل، نفس خود انسان است. ما باید به آن توجه کنیم و قبل از اینکه سایرین را محکوم به عدم وحدت کنیم، ببینیم چقدر نفس ما به این مقوله اهمیت می‌دهد، چون خودشیفتگی و خودپرستی دشمن عقل است.
در روایتی از اصل کافی به سه مقوله عقل، حیا و دین اشاره شده است. دین همان حب و ولایت است. حیا نیز به معنای دعوت به وحدان است. مادین را با عقل می‌فهمان و از سوی دیگر نیز گاهی با وجدان دین را ذکر می‌کنیم و از پایدی دوری می‌گزینیم. در آن روایتی که امام علی(ع) می فرماید اگر دنیا را به من بدیدار ازنی از دهان مورچه‌ای نمی‌گیرم، وجدان است که مانع از ظلم است. انسانیت به عقل است و عقل واقعی در دین و حیاست. ما در اسلام تنها یک‌دعای واجب داریم و عمل به آن نه‌تنها در روز یک‌بار، بلکه ده‌ها بار باید اتفاق بیفتد و این واجب نه‌تنها برای ما بلکه برای پیامبر(ص) و اهل بیتش نیز هست و آن دعای واجب «اهدنا الصراط المستقیم» است.

شیعه با تفکر، شیعه شد



غلامحسین

ابراهیمی دینیان

استاد فلسفه

است. حالا اگر دلمان خواست یونان را هم صاحب فر هنگی قدرتمند بدانید. چون ارسطو، افلاطون و سقراط داشته‌اند. این فرهنگ نیرومند ازواج ایرانی بیرون نمی‌رود. هگل فیلسوف آلمانی که یک یونانی مآب است، می‌گوید نور معرفت و معرفت‌نخستین بار از ایران تابیدن گرفت و اشاره‌اش به دین یکتاپرستی زرتشت است. ناصر خسرو ایرانی، مسلمان و اسماعیلی مسلک بود. متفکران بزرگ تا زمان خواجه‌نصیر، از اسماعیلیون بودند که ناصر خسرو هم در اواخر سلسله این متفکران قرار دارد. خانواده‌های سینا هم همه اسماعیلی بودند، ولی خودش رانمی‌گویم چون در بند این حرف‌ها نبود، بلکه فیلسوف بود. ناصر خسرو در «جامع‌الحکمتین» می‌پرسد لذت چیست؟ او در این کتاب از سه مفهوم لذت، سعادت و آرمان صحبت می‌کند. انسان لذت‌جوست که سعادت می‌خواهد و آرمان‌جوست. حالا آرمان، یا قدسی است یا قهرمانی. قهرمانی هم آن است که فرد در هر رشته‌ای که هست بخواهد اولین و بهترین باشد. فردی که می‌خواهد هر دوی اینها باشد، دارای فنوت است. فنیتان و جوانمردی که می‌گویند همکین است. بیان فردوسی هم بیان فنوت است. ناصر خسرو و شیعه است. بدانید شیعه یعنی تفکر. اگر روزی شیعه‌ای تفکر را کنار گذاشت، بدانید که بی‌جهت به خود شیعه می‌گوید. شیعه با تفکر بود که شیعه شد.

معنای سقراطی فلسفه برای کودکان



سعید ناجی

استاد‌دانشگاه

موضوع مورد نظر من از آنجایی نشأت گرفته است که اکثر استادان فلسفه به برنامه فلسفه برای کودکان این اشکال را وارد می‌کنند که چرا شما این بحث را «فلسفه برای کودکان» نمی‌نامید، در صورتی که باید آن را تفکر انتقادی برای کودکان دانست؛ چراکه شما بیشتر بیان تفکر انتقادی را به کودکان نشسان می‌دهید و شما در جلسات می‌خواهید کودکان را وارد به تفکر کنید و در کل این نام‌گذاری فلسفه را به تفکر انتقادی تقلیل می‌دهد. اولین بار که متیو لیپمن کار فلسفه برای کودکان را شروع کرد ابتدا نظرش تفکر انتقادی بود و بعداً فهمید که چیزی کم دارد. تفکر انتقادی کودکان را دقیق‌تر می‌کند اما عمق فلسفی نمی‌توانند پیدا کنند و برای این کار باید از گفت‌وگوهای افلاطون و دیدگاه‌های فلسفی برای کودکان استفاده کرد. او منظورش این بود که از فلسفه کمک بگیرد تا آرای کودکان را عمیق‌تر کند. فرق بین دقت و عمق این است که ما می‌توانیم حرف‌هایمان دقیق اما سطحی باشد. کسی می‌تواند از عشق صحبت کند اما خیلی عمیق عاشق نشود. ممکن است که ما بگوییم دیدگاه‌ها و روش‌هایی در فلسفه است که می‌تواند به آن عمق ببخشد که لیپمن عمق را در آنها پیدا نکرد. فلسفه برای کودکان به معنی این نیست که ما در سو فلسفه به کودکان ارائه کنیم. فلسفه دو جور است؛ فلسفه آکادمیک و فلسفه آماتور. آنچه در آکادمی و دانشگاه‌ها سطح بالایی از انتزاع دارند و باعث می‌شود از جامعه دور باشد. بحث‌هایی که در جامعه و نزد کودکان وجود دارد این گونه بحث‌ها نیستند. بحث‌های پیچیده‌ای که سطح انتزاعیت آن خیلی بالاست و متأسفانه به درد هیچ بالابشری نمی‌خورد. اما فلسفه آکادمیک آن است که از گفت‌وگوهای مردم و جامعه بیرون بیایند. در واقع یک مشکل وجود دارد و ممکن است برای حل آن مشکل جامعه‌پژوهی فلسفه در گفت‌وگوی زنده، فلسفه می‌شود. پس بنابر همین دلیل فلسفه برای کودکان در گفت‌وگو شکل می‌گیرد. پس به این معنا فلسفه برای کودکان، فلسفه است که با تفکر انتقادی تلفیق شده است. در این کلاس‌ها با بالابردن دقت بچه‌ها ما به اندیشه‌ها و ایده‌های آنها عمق می‌بخشیم. آن کتاب‌ها باید به بچه عمق و ایده بدهند و موجب شوند بچه‌ها به اندیشه‌های فلسفی خودشان که به صورت گفت‌وگوهای نیمه‌زنده است شکل بدهد. فلسفه برای کودکان در ابتدا تفکر انتقادی بود. بعد متیو لیپمن آن را فلسفه برای کودکان به معنای واقعی کرد. فلسفه برای کودکان به معنای فلسفه کانتی و... فلسفه نیست اما به معنی فلسفه سقراط که از گفت‌وگو متولد می‌شود فلسفه است و گفت‌وگو‌هایی که از کلاس‌های فلسفه برای کودکان تولید می‌شود به معنای واقعی فلسفه است.

سه گانه «هوسرل، اخلاق، دریدا» منتشر شد

کتاب «هوسرل، اخلاق، دریدا» نوشته حسن فتح‌زاده توسط انتشارات ققنوس منتشر و راهی بازار نشر شد. این کتاب داستان سه فیلسوف بزرگ است؛ هوسرل که متافیزیک را به مرز‌هایش رساند، لویناسی که پنجه بر این بن‌بست کشید و دریدا که روزنمای به ماورای نام‌ناپذیر آن کشود. نویسنده کتاب در مقدمه اشاره می‌کند که پرسش بنیادین ما در اینجا معطوف به ماهیت یک عمل اخلاقی است. «فلسفه و اخلاق»، «قاعده طلایی اخلاق»، «دیگری؛ برداشت نخست»، «دیگری؛ هوسرل سخن می‌گوید»، «فلسفه و یا «اگوی دیگری؟» و... مباحث و عناوینی است که فتح‌زاده در این کتاب مطرح می‌کند. این کتاب با ۱۵۲ صفحه، شمارگان هزار و ۱۰۰ نسخه و قیمت هشت هزار تومان منتشر شده است.

نسبت علوم اجتماعی با فلسفه در گفت‌وگو با ابراهیم فیاض

وحدت‌عین، ذهن و اعتبار

از لحاظ جامعه‌شناسی ایران و آمریکا شباهت زیادی به هم دارند

سید‌انوش موسوی‌ا

تفکیک قائل شدن میان شاخه‌های علوم انسانی کار چندان آسانی نیست

چرا که پژوهشگر انسانی در تحلیل‌هایی که از انسان و روابط میان انسانی ارائه می‌دهد معمولاً از تمامی این علوم مدد می‌گیرد.
ابراهیم فیاض عضو هیات علمی دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه تهران نیز در گفت‌وگو با فرهیختگان بر این نظر صحه می‌گذارد و علوم اجتماعی هر کشور را تابعی از فلسفه و فرهنگ آن اقلیم بیان می‌کند.

|||

به نظر شما این امکان وجود دارد که بین فلسفه و علوم اجتماعی نسبت ایجاد کنیم؟

آیا اینکه علم جامعه‌شناسی، فلسفه و حقوق را در یک مقوله جای دهیم وجود دارد اما این سه مقوله از سه منظر متفاوت به بحث‌ها و پدیدار‌های می‌نگرند. جامعه وجود عینی و خارجی است که این وجود عینی در فلسفه تبدیل به وجود ذهنی می‌شود و در حقوق تبدیل‌یل به وجود اعتباری. معمولاً هر جامعه‌شناس بزرگی این سه وجه را در تحلیل‌های خود به کار می‌برد، پس در تمامی تجلیل‌هایی که در علوم انسانی صورت می‌گیرد می‌توان وحدت بحث‌های عینی، ذهنی و اعتباری را دید. به‌عنوان نمونه در آمریکا بحث فلسفی تبدیل به علوم تجربی شد، این تغییر به این دلیل صورت گرفت که در آنجا فلسفه پراگماتیسم به اوج خود رسیده بود و آن روش‌هایی که پیروان پراگماتیسم به کار می‌برند عملاً ضد‌روش اروپایی بود که به فلسفه اخلاقی و عدم‌سوژه‌گرایی اعتقاد داشت و در واقع یک عقل در کنش بود. آمریکاییان مقوله جامعه را قبول ندارند و اجتماع را می‌پذیرند. در این کشور اقتصاد یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده محسوب می‌شود و رایج آنجاست و حتی حقوق و سیاست هم تابعی از علم اقتصاد محسوب

اندیشه



یکشنبه ۱۴ دی ۱۳۹۳ | ۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۳۶ | ۴ ژانویه ۲۰۱۵ | شماره ۱۵۶۳



علوم اجتماعی تابع فلسفه است

علوم اجتماعی تابعی از فلسفه هر کشور است و فلسفه هر کشوری تابعی از فرهنگ و جامعه آن کشور محسوب می‌شود به همین خاطر اگر دقت کنید فلسفه ایرانی، آمریکایی و اروپایی متفاوت هستند، در نتیجه علوم اجتماعی این کشورها نیز متفاوتند. ما برای بومی‌سازی علوم اجتماعی هنوز اول راه هستیم، باید بتوانیم یک فلسفه میان‌فرهنگی را که از عقل میان فرهنگی ایران تغذیه می‌کند با حکمت و فزوانگی آمیخته کنیم.

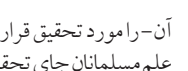
دارد و جامعه در آن به معنای اروپایی که

منتی‌بر یک زبان و فرهنگ خاص است، نیست. در دیدگاه جهان‌وطنی ایران وسعت پیدا می‌کند حتی ایرانیانی که متولد آمریکا هستند هنوز پیوندهای خود را با ایران ترک نکرده‌اند، این ساختار یک ساختار اساسی است. در این ساختار اولین چیزی که به هم می‌خورد سوژه‌گرایی است، چراکه سوژه‌گرایی براساس یک فرهنگ خاص شکل می‌گیرد. مثلاً کانت سوژه‌گرایی خود را براساس فرهنگ آلمانی مطرح کرد اما امروز سوژه‌گرایی در فرهنگ ایران به این معنا نیست و میان‌ذهنی است. نژادها، زبان‌ها و مذاهب متفاوت در ایران با هم زندگی می‌کنند. من پیش‌بینی می‌کنم که ایران پذیرای مهاجران زیادی خواهد بود افغانستان زیادی در ایران کار می‌کنند که هیچ تضادی در پذیرش آنها وجود ندارد و روزبه‌روز در جامعه ایران حل می‌شوند. می‌خواهم بگویم در ایران میان‌ذهنیت حاکم است و این میان‌ذهنیت از حکمت ایرانی که همان فزانگی است نشأت گرفته است، پس می‌توانیم با فضاibility ایرانی که به پهنای جهان است ایران فرهنگی به پهنای جهان داشته باشیم. به‌عنوان مثال

پیرامون کتاب «پژوهشی در فلسفه علم دانشمندان مسلمان»

علم در فلسفه اسلامی

مباحث فلسفه علم حکمایی چون فرابی، ابن‌سینا و ملاصدرا از دوران کارشناسی ارشد مورد توجه من قرار گرفت. ابتدا بر این نکته تأکید می‌کنم که برخی از مسائل فلسفه علم در تمدن اسلامی –



نادیا مفتونی

استادیار دانشگاه تهران

آن– را مورد تحقیق قرار دادم؛ با توجه به اینکه فلسفه علم مسلمانان جای تحقیقات بسیار دارد و مسائل فراوانی از گستره علم‌شناسی قدامار پژوهش‌های من غایب است. اما چند کلمه درباره آنچه در کتاب خود مورد مطالعه قرار دادم را اینجا‌عنوان می‌کنم. در این دفتر ابتدار رهیافت‌های تمدن اسلامی در علم‌شناسی را گزارش کرده‌ام که پنج رهیافت را دربر می‌گیرد: رهیافت‌منطقی–فلسفی، رهیافت تاریخی، رهیافت تطبیقی، رهیافت موردپژوهانه و رهیافت اخلاقی. پس از بررسی رهیافت‌های پنج‌گانه تمدن اسلامی در علم‌شناسی، به‌چندمسئله‌از علم‌شناسی منطقی–فلسفی نزد اندیشمندان مسلمان و سپس به نحو موردپژوهانه به چند مسأله از فلسفه‌شناسی نزد او پرداختام. شاید خیلی پرت نگفته باشم اگر بگویم همان اهمیت و تأکیدى را که فلسفه فیزیک غربی‌ها در گستره علم آنها دارد، فلسفه دانشمندان مسلمان در حوزه فلسفه علم مسلمانان دارد. از آن‌رو که دانشمندان مسلمان، کم‌با‌زیاد از ارسطو تأثیر گرفتند، دیدگاه‌ارسطو را هم به ترتیب تاریخی و پیش‌از متفکران مسلمان بررسی کرده‌ام. ارسطو آرای حکیمان قبل از خود را به شکل گزارش‌های تاریخی بیان می‌کند و پس از مدتی سرگردانی در میان مشکلات علم‌شناختی، راهی به‌سوی ملاک وحدت و تمایز علوم می‌گشاید. فرابری و ابن‌سینا این قاعده ارسطویی را توسعه و شاخه‌های آن را سامان می‌دهند؛ خصوصاً این‌سینا شأان ویژه‌ای برای موضوع علم‌قائل می‌شودو با‌عناوین مستقل به‌کارکردهای موضوع علم می‌پردازد. شیخ‌الرئیس تناسب میان دانش‌هاو گونه‌هایی از پیشی و پسى علوم را بر مدار موضوع علم تبیین می‌کند. وی در مقام عمل نیز هنگام ورود به همه‌رشته‌های دانش به ضوابط منطقی علم‌شناختی تأکید می‌کند و مدد می‌دهد. از این میان موضوع فلسفه را هم براساس همان ضوابط منطقی به دستم می‌دهد. کارآمدی اینس ضوابط به‌ویژه در وسعت امروزه علوم جای بحث دارد و در مقام عمل، پوشش‌دهنده‌همه‌آنچه در آثار فلسفی و به‌نام‌مسائل فلسفه مطرح می‌شود، نیست. البته شیخ‌الرئیس ابن‌سینا برای هر شکل‌زدنشکاف میان‌مقام تعریف و مقام تحقق علوم به‌شکل



کلی و مقام تعریف و مقام تحقق فلسفه به‌صورت خاص تلاش‌هایی صورت داده‌است.

|||

من در کتاب فلسفه علم دانشمندان مسلمان را در هشت نگاهه تنظیم کرده‌ام. این هشتمت‌نگاره را به اختصار مرور می‌کنم تا بتوانم ترتیب و ارتباط منطقی میان آنها را توضیح دهم: در نگاهه نخست به رهیافت‌های مختلف علم‌شناسی در تمدن اسلامی پرداخته‌ام تا تصویری عام و شامل از فلسفه علم دانشمندان مسلمان به دست‌دهم. نگاهه دوم به مفهوم‌سازی موضوع علم و در نگاهه سوم به کارکردهای موضوع علم پرداخته‌ام. حکیمان مسلمان در یکی از رهیافت‌های یادشده در نگاه اول (علم‌شناسی فلسفی–منطقی) موضوع علم را عبارت از چیزی می‌دانند که در آن علم پیرامون عوارض ذاتی آن بحث می‌شود. دغدغه حکما از ارائه این تعریف انسجام‌بخشی به مسائل یک علم، تمایز علوم از یکدیگر و ارائه ملاکی برای طبقه‌بندی علوم بوده است. موضوع علم، معیار تقدم و تأخر بالذات و پیشی و پسى از حیث شرافت و استحکام تلقی شده‌است. بحث تعریف موضوع علم و نقش آن ریشه در آثار ارسطو دارد و نزد فرابى به مرتب‌های از کمال می‌رسد. اما اوج توسعه و انسجام آن در فلسفه ابن‌سینا حاصل شده است. ابن رشد بی‌توجهی عمادانه و مودكى به دستاوردهای شیخ‌الرئیس نشان داد، ولی ابن‌الکوی علم‌شناسی سستوی بود که تأثیر خود را بر بسیاری دانشمندان مسلمان با دو روی آورد فلسفی–منطقی و رئوس ثمانیه به جا گذارد.

نگاره چهارم به مفهوم‌سازی حکیمان مسلمان پیرامون اعراض ذاتی اختصاص دارد. تعریف موضوع علم، مفهوم غایض و پیچیده عرض ذاتی را به میان می‌آورد. مفهوم عرضی ذاتی و ملاک تشخیص عوارض ذاتی از مفاهیم مثبتیه و مشابه نیز از بحث‌های دمانه‌دار حوزه علم‌شناسی منطقی–فلسفی و همچنین علم‌شناسی موردپژوهانه‌است. اصطلاحات دیگری هم در این میحث به کار می‌روند مثل محمولات ذاتی، عوارض ذاتی، اعراض ذاتی، لواحق ذاتی، عرضی ذاتی، عرض ذاتی، محمول بذات من طریق

www.Farheekhtegan.ir

Sun | 4 Jan 2015 | vol.06 | No. 1563

خبرنامه

«سوره اندیشه» منتشر شد



شماره ۸۰ و ۸۱ از مجله سوره اندیشه ویژه آذر و دی ماه ۹۳، حاوی یادداشت‌ها و گفت‌وگوهای پیرامون «راهی از سیطره اقتصاد با اقتصاد مقاومتی» منتشر شد. با تامل در این موضوع، مجله سوره تلاش داشته با فاهم وضع سرسرمایه‌داری ایرانی در دوره متأخر و توجه به ادوار مختلف سرمایه‌داری جهانی، افقی برای رهایی از سیطره اقتصاد بیايد. همچنین بخش نظام اجتماعی با پرداختن به موضوعاتی مانند: «اقتصادی شدن نظام اجتماعی» و «ماهیت بحران اقتصادی ایران» به بررسی ادوار مختلف سرمایه‌داری پرداخته و در پی سیاستی برای فرآوری از آن، از امکان‌های اقتصاد مقاومتی برای بیرون‌رفت از سرمایه‌داری سبک کرده است. بخش تفکر به «نسبت اقتصاد و فلسفه معاصر» و همچنین «انسان اقتصادی» پرداخته است. در ضمیمه فرهنگی – هنری اسفار نیز، کتب تازه منتشر شده معرفی شده و اهالی نظر و ادب، به نقد و بررسی کتاب «نیست‌انگاری و شعر معاصر» پرداخته‌اند.

کتاب‌های تازه مجمع عالی حکمت اسلامی

محمدباقر خراسانی مدیر اجرایی مجمع عالی حکمت اسلامی درباره آثار در دست انتشار این مرکز اظهار کرد: «جلد دوم از کتاب «شواهد ربوبی» که



به شرح حکمت صدراتی اختصاص دارد به قلم حسن معلمی نگارش شده است که به‌زودی به چاپ می‌رسد.» وی ادامه داد: «همچنین «مجموعه مباحث حکمت منشاء» به کوشش یارعلی کردفیروزجایی تدوین شده که اکنون در حال‌نمای‌سازی است کتاب دیگری نیز با عنوان «مجموعه گفتارها و نظرات پیرامون علم دینی» به‌همت گروه فلسفه و علوم انسانی مجمع عالی حکمت اسلامی تهیه شده و قرار است تا پایان امسال منتشر شود.» وی از ویراست جدید کتاب «شاخص‌های عرفان ناب شیعی» نوشته‌محمدفتنایی‌اشکوری خبر داد و گفت: «تمامی کتاب‌های مذکور تا پایان سال جاری منتشر می‌شوند و جلد سوم کتاب «شواهد ربوبی» به قلم حسن معلمی نیز تا دو ماهه‌اول سال ۹۴ روانه کتابفروشی‌های می‌شود.»

«ادبیات و انقلاب، از آسیا تا آمریکا» منتشر شد



کتاب «ادبیات و انقلاب، از آسیا تا آمریکا» نوشته یورگن روله، ترجمه علنی اصغر حداد به همت نشر نی روانه بازار نشر شد. روله در این کتاب به همت نشر نی در ۲۰۸ صفحه سزارتو، ژید، مالرو، الوار، سلین و آراگونون و همچنین بر نویسندگان ایتالیایی – سیلونه، پازوه، مالاپارته، مورایوا و کارلو لوی– می‌پردازد. این کتاب به همت نشر نی در ۲۰۸ صفحه در قطع رقعی و جلد شومیز به قیمت ۲۰ هزار تومان منتشر و روانه بازار نشر شده است.